

الگوی مفهومی حکمت در آینه منابع اسلامی

سید میثم موسوی^۱

علی فتحی^۲

چکیده

حکمت یکی از مفاهیم کلیدی و محوری در فرهنگ اسلامی است که در لسان قرآن ستوده شده است. نخستین گام برای گسترش و تثبیت این مفهوم ارزشی در سطوح فردی و اجتماعی، ارائه تعریفی کاربردی از معنا و مفهوم حکمت و سازهایی معنایی آن است. با اینکه پژوهش‌هایی درباره مفهوم‌شناسی حکمت در منابع اسلامی انجام شده است اما همچنان نیاز به ارائه مدلی کاربردی برای فهم بهتر این مفهوم و پیوند آن با دیگر مفاهیم همسو احساس می‌شود. این پژوهش به منظور پاسخ‌گویی به این نیاز طراحی شده و هدف آن تدوین یک مدل مفهومی برای حکمت بر پایه منابع اسلامی است. برای این منظور، نخست سازه‌ها و مؤلفه‌های مفهوم حکمت با بررسی منابع اسلامی استخراج، سپس با تحلیل روابط میان این مؤلفه‌ها، الگوی نهایی حکمت ارائه شد که افزون بر شناسایی مؤلفه‌ها، به روابط بین آن‌ها نیز اشاره دارد. در تدوین الگوی مفهومی حکمت، از روش معناشناسی واژگانی ساخت‌گرا، با تمرکز بر نظریه حوزه واژگانی و تحلیل مؤلفه‌ای، استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که این الگو بر اساس منابع اسلامی دربردارنده سه دسته مؤلفه اصلی است: مؤلفه شناختی، مؤلفه عاطفی-هیجانی و مؤلفه عملکردی، که هر یک دارای زیرمؤلفه‌هایی هستند و در ارتباط متقابل با یکدیگر، یک الگوی فرایندی را تشکیل می‌دهند.

واژگان کلیدی: حکمت، مدل مفهومی، مؤلفه‌های حکمت، معناشناسی واژگانی.

۱. دانشجوی دکتری گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ meymosa@gmail.com.

۲. دانشیار گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ afathi@rihu.ac.ir.

۱. مقدمه

حکمت از مفاهیم مورد توجه در معارف اسلامی است و قرآن کریم از آن به عنوان خیر کثیر یاد کرده است (بقره، ۲۶۹). امام صادق علیه السلام، حکمت را بزرگ‌ترین و برترین نعمت خداوند می‌داند که با تقوا و اخلاص پیوندی مستقیم دارد (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق: ۱۹۸). تبیین صحیح و دقیق از مفاهیم محوری مانند حکمت، دست‌کم از سه بُعد قابل بررسی است:

الف) با توجه به تأکید منابع اسلامی بر اهمیت و ارزش حکمت و توصیه به کسب آن، گام نخست برای اتصاف به این فضیلت، درک دقیق مفهوم و مؤلفه‌های اصلی آن است؛ زیرا بدون تعریف مشخص و دقیق از یک مفهوم، گسترش و نهادینه‌سازی آن فضیلت در فرد و جامعه ممکن نیست. در واقع مفاهیم، اساس علم و پایه‌گذار نظریه‌های علمی هستند؛ از این رو، می‌توان مفهوم‌شناسی را همچون کارخانه مصالح و بنیان هر علم دانست (ایمان، ۱۳۸۸: ۲۷).

ب) دومین دلیل اهمیت مفهوم‌شناسی حکمت، ایجاد زمینه برای نظام‌سازی و بررسی روابط متقابل میان موضوعات اخلاقی است. با شناخت مفهومی این موضوعات، می‌توان تمایزات و اشتراکات میان آن‌ها را مشخص کرده و جایگاه هر یک را در نظام اخلاقی تبیین کرد.

ج) سومین دلیل به ضرورت تولید محتوای متناسب با فرهنگ اسلامی در علوم انسانی بازمی‌گردد. توضیح اینکه مفهوم‌شناسی حکمت و شناخت این فضیلت در فرهنگ اسلامی، گامی در جهت تولید محتوای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در علوم انسانی

است. برای نمونه روان‌شناسی، از این علوم است که نیازمند محتوایی بر مبنای فرهنگ اسلامی - ایرانی است. در تحقیقات روان‌شناختی، ساخت ابزارهایی برای سنجش فضائلی مانند حکمت و تدوین روش‌های کاربردی برای ترویج آن‌ها ضروری است. برای این کار، نخست نیاز به تبیین دقیق مفهوم و شناسایی مؤلفه‌های حکمت داریم؛ زیرا مفهوم‌شناسی به‌ویژه در سنجش علمی یک فضیلت، می‌تواند به الگوی مفهومی منجر شود که عناصر اصلی و مؤلفه‌های آن را به عنوان نشانگرهایی در ابزارهای سنجش ارائه دهد و در مداخلات روان‌شناختی، این عناصر می‌توانند اصول و تکنیک‌های کاربردی برای ترویج فضیلت محسوب شوند (عباسی و پسندیده، ۱۳۹۶).

بنابراین، ضرورت مفهوم‌شناسی حکمت بر اساس منابع اسلامی آشکار می‌شود. در این منابع، حکمت به‌گونه‌ای توصیف شده که ابعاد گوناگون شناختی، عاطفی و رفتاری را شامل می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۲۷۷/۱). همچنین مفاهیمی مانند عقل، رفق، تواضع و زهد با حکمت پیوند خورده‌اند. بررسی این ارتباطات و تبیین مؤلفه‌های حکمت، مسئله اصلی این پژوهش است که با تدوین الگوی مفهومی برای حکمت دنبال می‌شود. این الگو زمینه‌ای برای فهم دقیق و تحلیل کاربردی مفهوم حکمت در منابع اسلامی فراهم می‌آورد.

۱-۱. پیشینه

ضرورت این پژوهش آن‌گاه مشخص می‌شود که بدانیم تاکنون در مورد چیستی این فضیلت مورد تأکید قرآن کریم، پژوهشی جامع که بتواند مؤلفه‌های مختلف این مفهوم را از میان منابع دینی استخراج کند و همچنین روابط میان آن‌ها را در ضمن الگو مفهومی ارائه دهد، صورت نگرفته است. تصور رایج از مفهوم حکمت بیشتر در ابعاد شناختی این صفت منحصر می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۹/۲). این برداشت می‌تواند به دلیل رواج اصطلاح حکمت در دانش فلسفه باشد. به هر حال، این برداشتی جامع از صفتی

که در قرآن کریم از آن به خیر کثیر تعبیر شده است، نمی‌تواند باشد (اسلامی، ۱۳۸۶).
مروری بر پژوهش‌های معاصر که با رویکردهای مفهوم‌شناسی قرابت بیشتری دارند، نشان‌دهنده فقدان پژوهشی جامع در این زمینه است. برنجکار (۱۳۷۴)، در بررسی برخی آیات و روایات با رویکردی تفسیری به مفهوم حکمت پرداخته است. خسروپناه (۱۳۸۸)، با بررسی حکمت در منابع فلسفی و مقایسه آن با برخی متون دینی نتیجه گرفته است که حکمت در قرآن هم جنبه نظری هم عملی دارد اما تبیینی از این جنبه‌ها ارائه نکرده است. طالبی (۱۳۸۶)، نخست مفهوم حکمت را با نگرشی فلسفی تبیین کرده سپس به تفاوت این مفهوم با حکمت مدنظر قرآن اذعان میکند اما تلاشی برای تبیین دقیق این تفاوت نکرده است. در میان پژوهش‌های انجام‌شده درباره مفهوم حکمت در منابع دینی، می‌توان به پژوهش اسلامی (۱۳۸۶) به عنوان پژوهشی جامع و روشمند اشاره کرد که با روش تحلیل پدیدارشناختی ایزوتسو و با بررسی روایات نشان داده حکمت دارای سه مؤلفه اصلی بینشی، منشی و کنشی است اما وی در تبیین این سه مؤلفه و بیان زیرمؤلفه‌های آن تلاشی نکرده است.

جندقیان (۱۳۹۰)، با تشریح اصطلاح حکمت به عنوان مقسم علوم فلسفی، به رابطه جنبه شناختی حکمت با جنبه‌های روحی و اخلاقی آن توجه کرده و سرانجام این رابطه را این‌گونه تشریح کرده است: لفظ عام حکمت که محل تقسیم قرار می‌گیرد با فضیلت روحی حکمت که حاصل تهذیب قوه عقل است، پیوندی شگفت دارد. زمانی که حکمت به عنوان یک فضیلت روحی در انسان حاصل شد و نفس به حالت تعادل مطلوب و کارایی صحیح رسید، کسب معارف حقیقی حکمت برای او حاصل می‌شود. گرچه آن حکمت حقیقی که مقصود نظام اخلاقی اسلام و آیات و روایات است با لفظ عام حکمت که محل تقسیم علوم قرار می‌گیرد، متفاوت است.

دهقان و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله «پیجویی مؤلفه‌های مفهوم جهانی حکمت در مفهوم قرآنی»، مفهوم قرآنی حکمت را در تطبیقی نامتوازن با مفهوم جهانی حکمت و

با استفاده از شواهد زبان‌شناختی اعم از ریشه‌شناسی واژه و بررسی روابط همنشینی و سیاقی آن در قرآن تحلیل کرده و این نتیجه را بیان کردند که مفهوم قرآنی حکمت در ادامه مفهوم سامی آن، یک مفهوم ساخت‌یافته و دارای بار معنایی غنی دانشی است که با مفهوم جهانی تعریف‌شده در قالب نظریه تقابل انسان‌محوری با کمال‌محوری تناظر دارد و بر رابطه‌ای پررنگ بین علم و عمل و بر دانشی عملی مانند مهارت دلالت دارد. حکمت در قرآن به دو مفهوم؛ - ویژگی اخلاقی و توانایی انسان‌شناختی در مواجهه کلی با زندگی و مجموعه تعالیمی که حاصل ممارست در این توانایی هستند، به کار رفته است.

بررسی پیشینه بیان‌شده نشان می‌دهد هرچند شناخت مفهوم حکمت مورد توجه برخی پژوهشگران قرار گرفته، و برخی جنبه‌های مفهوم حکمت در این تحقیقات تبیین شده است اما فقدان نگرشی منظم و همه‌جانبه و برگرفته از مجموع منابع اسلامی باعث شده تا نمایی مبهم و ناقص از این مفهوم ارائه شود. در پژوهش پیش‌رو تلاش شده تا با استفاده از روش‌های معناشناسی ساخت‌گرا، بررسی منظم و همه‌جانبه‌ای برای تبیین مفهوم حکمت در منابع اسلامی صورت پذیرد و در نهایت با الگویی مفهومی از این فضیلت، تصویری جامع از آن ارائه شود.

۲-۱. الگوی مفهومی

پیش از ورود به مباحث اصلی، برای تبیین ویژگی‌های این پژوهش، لازم است اصطلاح «الگوی مفهومی» را توضیح دهیم. الگو یا مدل مفهومی شباهت‌هایی با نظریه یا تئوری دارد و در واقع، یک ساختار ادراکی منظم است. الگو، تصویری از واقعیت را ارائه می‌دهد و می‌تواند عوامل روابط موجود در یک موقعیت را به اشکال مختلفی مانند کلامی، ترسیمی، ریاضی و تجسمی بیان کند (هومن، ۱۳۷۶: ۳۸). در یک تعریف، الگو به عنوان نمایش یک مفهوم یا فرایند اصلی، چه رفتاری و چه بدنی، به صورت ترسیمی،

نظری یا فرضی توصیف می‌شود که جزئیات آن مفهوم یا فرایند را در بردارد. به‌طور کلی، الگوها برای اهداف پژوهشی و تبیینی گوناگونی همچون افزایش درک از یک مفهوم، فرضیه‌سازی، تبیین روابط یا تحلیل الگوهای شناختی به کار می‌روند (تاگارد و لیت، ۲۰۲۳). بنابراین، هنگامی که الگوها برای نمایش و توضیح یک مفهوم به کار گرفته می‌شوند، به آن‌ها «الگوی مفهومی» می‌گویند. زمانی که روابط میان مفاهیم مختلف یا ارتباط میان یک مفهوم و ویژگی‌های آن در قالبی منسجم نشان داده شود، در حقیقت یک الگوی مفهومی ارائه شده است. این تحقیق نیز با این هدف طراحی شده تا بتواند مؤلفه‌های مختلف مفهوم حکمت را از منابع اسلامی استخراج کند و سرانجام با تبیین روابط میان این مؤلفه‌ها، الگویی مفهومی از حکمت ارائه نماید.

۳-۱. مؤلفه

منظور از «مؤلفه» واحدهای تشکیل دهنده یک مفهوم است. وقتی واحدهای تشکیل دهنده یک حوزه معنایی را مشخص کردیم، رابطه درونی این واحدها را باید به شکل دقیق‌تری مشخص کنیم که این هدف با تحلیل مؤلفه‌ای انجام می‌شود (گیرتس، ۱۳۹۳: ۱۳۲). در واقع، مؤلفه در این پژوهش سازه‌ای از معناست که زیرمجموعه یک مفهوم قرار داشته و به بخشی از واقعیت اشاره دارد که با مجموعه‌ای از واژه‌های مرتبط نشان داده می‌شود.

۲. روش پژوهش

از آنجا که «حکمت» یک مفهوم چندبُعدی و گسترده در متون اسلامی است، باید اشتراکات و تمایزهای معنایی آن با واژگان مرتبط مانند: عقل، علم و سجایای اخلاقی مشخص شود. معناشناسی زبانی ساخت‌گرا، به دلیل تمرکز بر ساختار درونی زبان، بدون تکیه به دانش خارجی، کمک می‌کند تا مؤلفه‌های مفهومی «حکمت» بدون واسطه از

بافت متون اسلامی استخراج شود. این روش در پی آن است که با شناسایی پیوندهای معنایی و زبان‌شناختی واژگان قرآن، رابطه نظام‌مند الفاظ و معانی را در نظام پیوسته معنایی قرآن استخراج کرده و از این راه، جهان‌بینی قرآنی را استنباط کند.

در معناشناسی ساخت‌گرا، برای کشف پیوندهای معنایی واژه‌ها، دست‌کم سه نگرش درباره معنا شکل گرفته است که هر یک به نوعی مکمل یکدیگر بوده و ویژگی‌های معناشناسی واژگانی ساخت‌گرا را نشان می‌دهند: ۱. نظریه حوزه واژگانی ۲. تحلیل مؤلفه‌ای ۳. معناشناسی رابطه‌ای (گیرتس، ۱۳۹۳: ۱۳۱). حوزه واژگانی، مجموعه‌ای از عناصر واژگانی است که از نظر معنایی به هم مرتبط بوده و معانی آن‌ها به یکدیگر وابسته است؛ به گونه‌ای که در کنار هم، ساختار مفهومی مشخصی از بخشی از واقعیت‌های جهان خارج را تشکیل می‌دهند (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۲۵).

بر اساس نگرش ساخت‌گرایی به زبان، واژه‌ها را نباید به صورت منفرد و مجزا بررسی کرد، بلکه باید به رابطه معنایی هر واژه با واژه‌های مرتبط با آن توجه داشت. بر این اساس، واژه‌ها با درجات مختلف اهمیت، نسبت به یکدیگر، شبکه پیچیده‌ای از واژگان و معانی را ترسیم می‌کنند که با تحلیل این روابط، حوزه واژگانی و در نهایت، جهان‌بینی مورد نظر تبیین می‌شود.

در این پژوهش، به منظور استخراج مؤلفه‌های مفهومی حکمت و تبیین ساختار معنایی آن در متون اسلامی، از روش معناشناسی زبانی ساخت‌گرا به‌ویژه با تمرکز بر نظریه حوزه‌های معنایی استفاده شده است. رویکرد حوزه‌های معنایی بر این پایه استوار است که اشتراک در یک ویژگی می‌تواند عاملی برای طبقه‌بندی واژه‌ها در حوزه شود (تریر، ۱۹۳۱: ۷۳). در این پژوهش، تحلیل واژگان از منظر مؤلفه‌های ذاتی، هم‌نشینی‌های معنایی و روابط میان واژگانی انجام شد تا بتوان ابعاد مختلف حکمت را به گونه نظام‌مند از آیات قرآن و روایات استخراج کرد.

نتیجه تفاوت در روش

اما نکته قابل توجه این است که انتخاب چنین روشی برای تدوین الگوی مفهومی، چه تفاوتی با تحقیقات دیگر پیرامون مفهوم‌شناسی حکمت ایجاد می‌کند؟

روش معناشناسی ساخت‌گرا با تحلیل نظام‌مند روابط واژگانی، تمایزهای مفهومی «حکمت» را در متون اسلامی آشکار می‌سازد. این رویکرد نشان می‌دهد «حکمت» در شبکه‌ای از مفاهیم معنا می‌یابد و مؤلفه‌های مختلفی را دربرمی‌گیرد. برخلاف روش‌های جزئی‌نگر، تحلیل هم‌نشینی‌های قرآنی (مانند ترکیب «حکمت و کتاب») ابعاد هدایتی و تربیتی آن را مشخص می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است «حکمت» در قرآن و روایات، هم موهبت الهی است و هم مهارت عملی، که در سلسله‌مراتب معنایی از فرد تا اجتماع گسترده شده است. این روش با کشف پیوندهای معنایی، جهان‌بینی یکپارچه‌ای را ترسیم می‌کند که در آن حکمت، محور ارتباط معرفت و حیانی و تربیت اخلاقی است. چنین تحلیلی، رویکردی نوین در مفهوم‌پژوهی اسلامی ارائه می‌دهد که هم به ظرافت‌های زبانی توجه دارد و هم به نظام‌مندی مفاهیم دینی. در واقع در این روش، مؤلفه‌های یک مفهوم، محدود در مؤلفه‌های مربوط به ماهیت و چیستی آن نخواهد بود، بلکه هر مؤلفه‌ای که دارای ارتباط مستقیم با مفهوم مورد نظر باشد، در فهم و تحلیل آن به کار می‌آید. مراد از ارتباط مستقیم، روابطی مانند هم‌معنایی و مترادف، اشتغال، تضاد و بیان زمینه‌ها و آثار یک مفهوم است (گیرتس، ۱۳۹۳: ۱۳۵؛ صفوی، ۱۳۹۲: ۱۹۰؛ مختار عمر، ۱۳۸۶: ۸۶).

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. حوزه معنایی حکمت

با بررسی کتب لغت و اصطلاح‌شناسی در رابطه با مفهوم «حکمت»، واژگان و مفاهیمی در حوزه معنایی حکمت به دست آمد. سپس با استفاده از واژگان حوزه معنایی، متون اسلامی در قرآن و کتب حدیث جمع‌آوری شد. در نهایت، این متون با هدف دستیابی

به مؤلفه‌های مفهومی حکمت، مقوله‌بندی و تنظیم شدند.

برای دستیابی به این هدف، گام اول جمع‌آوری واژگان و مفاهیمی بود که از ویژگی‌های مرتبط با حکمت حکایت می‌کردند. این گام بر مبنای نظریه حوزه‌های معنایی انجام شد که اشتراک در یک ویژگی را عاملی برای طبقه‌بندی واژه‌ها و مفاهیم در یک حوزه می‌داند (تریر، ۱۹۳۴). طبق نظر لاینز^۱ (۱۹۷۷) به نقل از گیرتس^۲، ۱۳۹۳: ۱۴۰، برای تعیین حوزه معنایی یک مفهوم یا به منظور مرزبندی ویژگی‌های مرتبط با یک مفهوم، دو حوزه قابل بررسی است: حوزه مفهومی و حوزه واژگانی. برای استخراج واژگان و مفاهیم مرتبط با حکمت، مدخل‌های مرتبط با حکمت در کتب لغت و منابع اصطلاح‌شناسی بررسی شده و واژه‌هایی که بیانگر ویژگی‌های حکمت بودند، انتخاب شدند. روند تشکیل حوزه معنایی حکمت با اضافه‌شدن مفاهیم و واژگان به مجموعه ویژگی‌ها آغاز شد. سپس ویژگی‌های مرتبط با مفهوم حکمت انتخاب و تنظیم شده و اضافات موجود در آن‌ها پالایش و حذف شدند. پس از آن، مجموعه پالایش شده از واژه‌ها و مفاهیم به عنوان عناصر حوزه معنایی حکمت مشخص شد. نتیجه این اقدام، فراهم‌آمدن حوزه معنایی حکمت از دیدگاه لغت‌شناسی و اصطلاح‌شناسی بود که توانست مبنای جست‌وجوی متون مرتبط با حکمت در منابع اسلامی قرآن و روایات قرار گیرد. این واژگان عبارتند از: حکمت، علم، عقل، فهم، حلم، عدالت، زهد، قضاء و اتقان در امور.

۲-۳. مؤلفه‌های «حکمت» در متون اسلامی

هدف از این گام استخراج مؤلفه‌های مفهومی حکمت و تبیین ساختار مفهومی آن بر اساس متون اسلامی قرآن و حدیث بود. محصول این گام، مشخص‌شدن ویژگی‌های تشکیل‌دهنده مفهوم حکمت، کمیت و کیفیت این ویژگی‌ها و همچنین روابط متقابل

1. Lyons, J.

2. Geertz, C.

آن‌ها در منابع اسلامی است.^۱ نتیجه این اقدامات، استخراج و تبیین ساختار مفهوم حکمت در آیات و روایات بود.

۳-۱. ویژگی‌های لغوی حکمت

با بررسی دیدگاه لغت‌شناسان، عناصر متعددی برای معنای حکمت به دست آمد که در این مرحله به تجزیه و تحلیل آن‌ها با طبقه‌بندی عناصر می‌پردازیم. نتیجه این طبقه‌بندی، فهم منسجم از عناصر اصلی معنا و مشخص شدن حوزه معنایی حکمت در بخش لغت است. برای طبقه‌بندی این ابعاد و عناصر با بررسی مؤلفه‌های اصلی و جداکردن مؤلفه‌های فرعی و نامگذاری برای مؤلفه‌های دارای ماهیت مشترک، به سه عنوان برای مؤلفه‌های اصلی می‌رسیم که عبارتند از: ۱. مؤلفه‌های شناختی؛ ۲. مؤلفه‌های عاطفی-هیجانی؛ ۳. مؤلفه‌های عملکردی.

جدول ۱. عناصر معنایی حکمت در کتب لغت و طبقه‌بندی ابعادی آن

ابعاد و ویژگی‌ها	عناصر	کلیدواژه‌ها
مؤلفه‌های شناختی	فهم صحیح حقایق	فهم المعاني، إصابة الحق بالعلم.
مؤلفه‌های عاطفی-هیجانی	مؤلفه‌های شناختی	الحلم المنع.
مؤلفه‌های عملکردی	فعل صحیح، عدل، اتقان در امور	فعل الخیرات، العدل، المتقن للأمر.

۱. منظور از «کمیت»، تعداد و فراوانی مؤلفه‌های حکمت (مانند عدالت، تقوا، علم نافع) در آیات و روایات است و «کیفیت» به سطح تأثیر و عمق مفهومی مؤلفه‌ها اشاره دارد که با روش ذیل ارزیابی شد: بررسی جایگاه مؤلفه در شبکه معنایی متون مرتبط (شرط، نتیجه، یا ویژگی اساسی حکمت). تحلیل روابط مفهومی: بررسی ارتباط همنشینی و جانشینی مؤلفه‌ها (مانند تقدم تقوا بر حکمت در برخی روایات).

۲-۳. ویژگی‌های اصطلاحی حکمت

مؤلفه‌های به دست آمده از مفهوم‌شناسی حکمت در دیدگاه متخصصان فلسفه، اخلاق و تفسیر عبارتند از: ۱. علم و معرفت به حقایق؛ ۲. علم نافع؛ ۳. ایجاد فعل حق؛ ۴. بینش و کنش صحیح؛ ۵. اعتدال و استحکام روانی؛ ۶. عدالت؛ ۷. اتقان در افعال و ۸. زهد.

همچنین یافته‌های این قسمت با توجه به ابعاد سه‌گانه مطرح شده در بحث مؤلفه‌های واژگانی، در جدول ذیل دسته‌بندی شده است.

جدول شماره ۲. عناصر معنایی حکمت در اصطلاح متخصصان و طبقه‌بندی ابعادی آن

ابعاد و ویژگی‌ها	عناصر	کلیدواژه‌ها
مؤلفه‌های شناختی	علم به حقایق، علم سودمند	معرفة الوجود الحق، العلم النافع
مؤلفه‌های عاطفی-هیجانی	اعتدال و استحکام درونی، تنظیم رغبت	الزهد
مؤلفه‌های عملکردی	عدالت، اتقان در اعمال، ایجاد فعل حق.	العدل، خیرافی افعاله، ایجاد فعل الحق

با توجه به ارتباط نزدیک معانی لغوی و اصطلاحی، می‌توان گفت حکمت به معنای داشتن علم و فهم نسبت به حقایق هستی و قواعد زندگی است؛ البته علمی که در مسیر سعادت انسان سودمند باشد. فضیلت حکمت افزون بر علم با توصیفات یادشده، دربردارنده هیجانات و عواطف خاص مانند تعادل در رغبت به دنیا که با «زهد» از آن

یاد شده و استحکام و ثبات درونی نیز است. در نهایت، مؤلفه‌های مربوط به رفتار و عمل خیر و مستحکم نیز در عناصر حکمت از نگاه کارشناسان لغوی و اصطلاحی وجود دارد.

۳-۳. مؤلفه‌های حکمت در منابع اسلامی

برای بررسی دقیق حکمت در ادبیات دینی باید افزون بر حکمت، مفاهیم مختلفی که به‌گونه‌ای با آن در ارتباط هستند نیز مورد بررسی قرار گیرند. با توجه به حوزه معنایی حکمت که از تحلیل معانی لغوی و اصطلاحی به‌دست آمد، به جست‌وجوی متون اسلامی پرداخته شد تا مؤلفه‌های مفهومی حکمت استخراج شوند. در ادامه، نتایج این بررسی‌ها بیان و برای رعایت اختصار از هر مؤلفه به یک نمونه از مستندات قرآنی یا روایی اشاره شده است.

۱. **عقل و فهم:** در برخی از متون دینی، از عقل به عنوان یکی از مؤلفه‌های تشکیل دهنده حکمت یاد شده است^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۶/۱).

۲. **شناخت متقن:** یکی از مؤلفه‌های قابل استنباط از منابع دینی واژه حکمت که برای تحقق حکمت ضرورت دارد، حقانیت و استحکام گزاره‌های شناختی است. قرآن کریم، تعالیم و گزاره‌های شناختی خود را با واژه «حکمت» توصیف کرده است^۲ (آل عمران، ۵۸).

۳. **انجام صحیح فعل صحیح:** یکی از مؤلفه‌هایی که در روایات مرتبط با بیان ماهیت حکمت به آن اشاره شده، مؤلفه «قضاء» است. مانند روایتی از امام صادق علیه السلام که در تفسیر حکمت آن را به معنای فهم و قضاء بیان کردند^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۰۷/۱). قضاء در

۱. يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ - إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ يَعْني عَقْلٌ وَقَالَ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ قَالَ الْفَهْمُ وَالْعَقْلُ.

۲. ﴿ذَلِكَ نَقُلوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ﴾.

۳. قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ فَقَالَ التُّبُوَّةُ قُلْتُ - الْحِكْمَةُ قَالَ الْفَهْمُ وَالْقَضَاءُ قُلْتُ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا فَقَالَ الطَّاعَةُ.

لغت از ریشه‌ای به معنای اتقان و انجام دادن افعال به صورت دقیق و کامل است^۱ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۹۹/۵).

۴. **خوف از خداوند:** طبق روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از نمادهای حکمت، ترس و خوف از خداوند است^۲ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۳۷۶/۴).

۵. **تفکر عمیق:** امام صادق علیه السلام در تبیین حکمتی که خداوند به لقمان اعطا کرد، برخی اوصافش که باعث ایجاد حکمت در وی شد را بیان کردند؛ نمونه‌ای از این شرایط تفکر طولانی و نگاه عمیق و عبرت بین است^۳ (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۶۲/۲).

۶. **تنظیم رغبت (زهد):** یکی از مفاهیم مرتبط با حکمت که در روایات متعددی به آن اشاره شده، مفهوم «زهد» است. امام صادق علیه السلام زهد در دنیا را باعث رسیدن به حکمت و نمایان شدن حکمت در گفتار انسان معرفی کردند^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۲۸/۲).

۷. **صمت:** «صمت» در لغت به سکوت و عدم تکلم گفته می‌شود و در اصطلاح، نوعی سکوت طولانی و پرهیز از بیان مسائل بیهوده و بی‌فایده است^۵ (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۴۶/۱). امام کاظم علیه السلام در وصیت خود به هشام بن حکم، از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کردند مؤمنی که اهل صمت و سکوت متفکرانه باشد، حکمت را دریافت خواهد کرد^۶ (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۹۷).

۱. القاف و الضاد و الحرف المعتل أصل صحيح يدل على إحكام أمر وإتقانه وإنفاذه لجهته.

۲. رَأْسُ الْحِكْمَةِ مَخَافَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

۳. أَبِي عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ حَمَادٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ لُقْمَانَ وَحِكْمَتِهِ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَقَالَ: أَمَّا وَاللَّهِ مَا أُوتِيَ لُقْمَانُ الْحِكْمَةَ بِحَسَبٍ وَلَا مَالٍ وَلَا أَهْلِ وَلَا بَسِطٍ فِي جِسْمٍ وَلَا جَمَالٍ - وَلَكِنَّهُ كَانَ رَجُلًا قَوِيًّا فِي أَمْرِ اللَّهِ مُتَوَرِّعًا فِي اللَّهِ - سَاكِنًا سَكِينًا عَمِيقَ النَّظَرِ طَوِيلَ الْفِكْرِ حَدِيدَ النَّظَرِ مُسْتَعْبِرًا بِالْعَبَرِ.

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ.

۵. «الصمت»: طول السكوت. وقيل: هو السكوت، ويقال: صَمَتَ العليل وأصمت: إذا اعتقل لسانه. هذا في اللغة، وأما في الشروح فهو السكوت عما لا يحتاج إليه ولا طائل فيه وصدّه الهذر، وهو الهذيان والكلام الذي لا فائدة.

۶. يَا هِشَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا رَأَيْتُمُ الْمُؤْمِنَ صَمُوتًا فَادْنُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقِي الْحِكْمَةَ.

۸. **حلم:** با توجه به یافته‌های مندرج در جدول «۴-۱»، یکی از مفاهیم مرتبط با حکمت که در حوزه معنایی حکمت قرار دارد، «حلم» است. طبق روایتی از امام رضا علیه السلام حلم در کنار صمت از نشانه‌های فقه و علم حقیقی است^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۶/۱).

۹. **رفق و مدارا:** حکمت در ادبیات دینی تنها با گزاره‌های شناختی یا عاطفی و روانی محقق نمی‌شود. تحقق حکمت، نیازمند اتصاف به گستره‌ای از فضائل و ارزش‌های اخلاقی مربوط به روابط میان فردی است که آن‌ها را تحت عنوان مهارت‌های اجتماعی بررسی می‌کنیم.

در روایتی منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «رفق» به عنوان نماد حکمت معرفی شده است^۲ (قضاعی، ۱۳۶۱: ۱۷).

۱۰. **حفظ کرامت اجتماعی:** از مهارت‌های اجتماعی که جزو مؤلفه‌های حکمت محسوب می‌شود، حفظ عزت نفس و حرمت خود در روابط با دیگران است. تعاملات اجتماعی و رفع نیازها در این روابط بخش‌گریزناپذیری از زندگی انسان است. انسان حکیم در روابط خود با دیگران و رفع نیازهای خود در خلال این تعاملات از کرامت انسانی خود مراقبت می‌کند. امام علی علیه السلام کسی را حکیم می‌دانند که برای رفع نیازهای خود در اجتماع تنها به اشخاص کریم و محترم مراجعه می‌کند^۳ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۵۵۹).

۱۱. **عدل و احسان:** «عدل» یکی از مفاهیم حوزه معنایی حکمت است. عدل در روایات مخالف ظلم و جور است و به رعایت حقوق دیگران تاکید دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۷/۱). امام علی علیه السلام در بیان یکی دیگر از مهارت‌های اجتماعی موجود در ساختار معنایی حکمت به مفهومی برتر از عدل اشاره کرده و احسان در برابر بدی را یکی از نشانه‌های

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ النَّيْسَابُورِيِّ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: إِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ الْفَقْهِ الْجِلْمِ وَالصَّمْتِ.

۲. الرفق رأس الحكمة.

۳. ليس الحكيم من قصد بحاجته إلى غير كريم.

حکمت بیان نموده است (خوانساری، ۱۳۶۶: ۲۹/۲).

۱۲. **تواضع:** یکی دیگر از مفاهیم مرتبط و زمینه ساز برای اتصاف به حکمت، مفهوم «تواضع» است. امام کاظم علیه السلام در مورد رابطه تواضع و حکمت فرموده اند: «حکمت در قلب انسان فروتن جای می گیرد و آباد می کند نه در جان متکبر و خودکامه؛ چونان که بذرها در زمین نرم و خاکی رشد می کنند و می رویند نه در زمین سخت و سنگلاخ»^۱ (حرانی، ۱۴۰۴: ق: ۳۹۶).

۳-۴. الگوی مفهومی حکمت در منابع اسلامی

با بررسی منابع اسلامی (قرآن و حدیث)، عناصر متعددی برای ساختار مفهومی حکمت به دست آمد. در جدول «۳-۴» این عناصر به صورت متمرکز و با طبقه بندی در سه حوزه شناختی، عاطفی-هیجانی و عملکردی نمایش داده شدند.

جدول ۳. عناصر معنایی حکمت در منابع اسلامی

ابعاد و ویژگی ها	عناصر
مؤلفه های شناختی	عقل، فهم، شناخت متقن، تفکر
مؤلفه های عاطفی-هیجانی	انکسار، خداترسی، تنظیم رغبت
مؤلفه های عملکردی	استحکام در عمل، تواضع، صمت، عدل و احسان، حلم، رفق و مدارا، حفظ کرامت فردی و اجتماعی.

۱. «يَا هِشَامُ إِنَّ الزُّنْعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُتُ فِي الصَّفَا فَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ».

برای جمع‌بندی و تحلیل نهایی مؤلفه‌های مفهوم حکمت در منابع اسلامی، عناصر به‌دست آمده از بررسی‌های واژگانی، اصطلاحی و منابع دینی را به صورت متمرکز بررسی می‌کنیم. نتیجه این مراحل در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴. مؤلفه‌های بدست آمده از منابع مختلف مفهوم‌شناسی

ابعاد و ویژگی‌ها	منابع لغوی	منابع اصطلاحی	منابع دینی
مؤلفه‌های شناختی	فهم صحیح	علم به حقایق، علم نافع	عقل، فهم، شناخت صحیح، تفکر
مؤلفه‌های عاطفی - هیجانی	منع و بازداری، زهد	اعتدال و استحکام درونی	انکسار، خداترسی، تنظیم‌رغبت
مؤلفه‌های عملکردی	فعل صحیح اتقان در امور	عدالت، اتقان در اعمال، ایجاد فعل حق	استحکام در عمل، تواضع، حفظ کرامت نفسانی و اجتماعی، احسان، صمت، رفق و مدارا

با مقایسه یافته‌های جدول بالا مشخص می‌شود که عناصر یادشده در منابع لغوی، اصطلاحی و دینی تناقضی با هم ندارند و در برخی موارد میان آن‌ها هم‌پوشانی مشاهده می‌شود. در مؤلفه‌های شناختی، عناصر به‌دست آمده از منابع اصطلاحی در واقع مصادیق عقل و فهم صحیح که در منابع لغوی و دینی آمده است را بیان می‌کنند. قید علم نافع که در تعاریف اصطلاحی حکمت وجود دارد، در واقع توضیحی ضروری برای مؤلفه عقل و فهم در منابع دینی است؛ زیرا عقل در منابع دینی همواره دلالت بر خیر

و سعادت انسان دارد و بنابراین، شناخت‌هایی را دنبال می‌کند که در مسیر سعادت انسان باشد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۴۳۶۹).^۱

در مؤلفه‌های عاطفی - هیجانی در منابع لغوی حالت بازداری و منع بیان شده و در منابع اصطلاحی هم به اعتدال روانی و استحکام یا ثبات درونی اشاره شده است. از آنجاکه عنصر بازداری منجر به کنترل حالات افراطی یا تفریطی می‌شود، می‌توان دو عنصر بازداری و اعتدال روانی را یک مفهوم قلمداد کرد اما عنصر استحکام و ثبات درونی، مفهومی متفاوت از بازداری و اعتدال روانی را بیان می‌کند. در منابع دینی هم مؤلفه تنظیم رغبت می‌تواند با اعتدال روانی هم‌پوشانی داشته باشد. گرچه می‌توان عنصر اعتدال را به همه عناصر عاطفی - هیجانی حکمت حاکم دانست؛ یعنی در همه مؤلفه‌های عاطفی - هیجانی مرتبط با منابع دینی و اصطلاحی باید عنصر اعتدال وجود داشته باشد. برای نمونه، در عنصر خوف و خداترسی اعتدال لازم است که این برداشت مورد تایید روایاتی باشد که تعادل میان خوف و رجا را لازم دانسته‌اند^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۷۱/۲).

در مؤلفه‌های عملکردی، منابع لغوی و اصطلاحی عنصر اتقان و استحکام در اعمال و انجام افعال صحیح و حق را بیان کرده‌اند. در منابع دینی هم به مؤلفه اتقان و استحکام در امور اشاره شده است و می‌توان عنوان جامع «انجام صحیح افعال صحیح» را برای این عنصر در نظر گرفت.

اما در منابع اسلامی، افزون بر استحکام در عمل، موارد دیگری نیز برای اتصاف به

۱. رَوَى حَمَّادُ بْنُ عَمْرٍو وَ أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام - عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَأَحْفَظُهَا فَلَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا حَفِظْتُ وَصِيَّتِي... يَا عَلِيُّ الْعَقْلُ مَا أَكْثَرُ سَبَبٌ بِهِ الْجَنَّةُ وَ طَلِبٌ بِهِ رِضَا الرَّحْمَنِ.

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خِيفَةٌ وَ نُورٌ رَجَاءٌ لَوْ وَزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَ لَوْ وَزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا.

حکمت لازم است. مؤلفه‌های تواضع، صمت، تفکر، رفق و مدارا و حفظ کرامت نفسانی و اجتماعی مواردی بودند که از منابع دینی استخراج شد. این عناصر در واقع یا به حوزه عملکردهای فردی مربوط هستند یا به عملکردهای اجتماعی و میان‌فردی اشاره دارند؛ پس می‌توان آن‌ها را ذیل این دو عنوان قرار داد. نتیجه این تحلیل‌ها مؤلفه‌های نهایی حکمت در منابع اسلامی را ارائه می‌کند که در جدول «۵.۴» نمایش داده می‌شود.

جدول ۵. نمایش مؤلفه‌های مفهومی حکمت در منابع اسلامی و طبقه‌بندی تحلیلی ابعاد آن

مؤلفه‌های اصلی (ابعاد)	زیرمؤلفه‌ها	کلیدواژه‌ها
مؤلفه‌های شناختی	ادراک عمیق و یقینی حقایق سودمند، تفکر	عقل، فهم و تفکر
مؤلفه‌های عاطفی-هیجانی	تعادل در رغبت، انکسار، خوف معتدل	انکسار، زهد، خوف، اعتدال روانی
مؤلفه‌های عملکردی	عملکرد فردی (انجام صحیح افعال صحیح، سگوت) حفظ کرامت نفسانی.	قضاء، تواضع، احسان، صمت، تقوا، حلم، عدل، حفظ کرامت اجتماعی، رفق و مدارا
	عملکرد اجتماعی (حفظ کرامت اجتماعی، تواضع، رفق و مدارا، حلم، عدل و احسان)	

۴. تبیین روابط مؤلفه‌ها در الگوی مفهومی حکمت

در ادامه به تبیین رابطه میان مؤلفه‌های مفهومی حکمت می‌پردازیم و تأثیرات متقابل آن‌ها را بررسی می‌کنیم تا الگویی برای مفهوم حکمت به دست آید که افزون بر ساختار معنایی، به روابط و فرایند تأثیر متقابل مؤلفه‌های حکمت هم اشاره کند. بررسی‌ها در این پژوهش نشان داد که حکمت در منابع اسلامی از مؤلفه‌های متعددی تشکیل شده که در روایات به برخی از ارتباط‌ها میان این مؤلفه‌ها اشاره شده است. برای نمونه، در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اشاره شده که شناخت خداوند باعث سکوت و پرهیز از کلام و حفظ کرامت نفسانی در برابر شهوات می‌شود^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/۲۳۷).

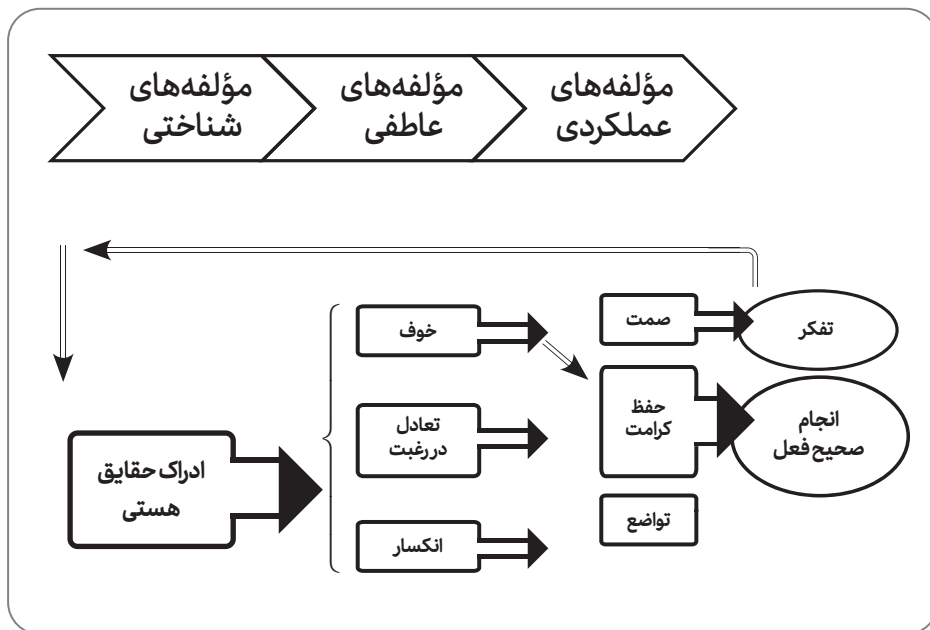
یکی از مؤلفه‌های حکمت، خوف از خدا بود. در روایات مرتبط با خوف، به تأثیر شناخت در ایجاد این حالت اشاره شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۶۷/۳۹۳). افزون بر این، در روایات از شناخت خداوند به عنوان عاملی برای ایجاد حالت انکسار و تواضع یاد شده است (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق: ۷۲).

از این نمونه‌ها می‌توان نتیجه گرفت مؤلفه‌های شناختی حکمت، نقش علی یا زمینه‌سازی برای برخی مؤلفه‌های روانی دارند که آن مؤلفه‌های روانی نیز سرانجام به عملکردهایی شایسته منتهی می‌شوند. برای نمونه، زهد و تعادل در رغبت حالتی عاطفی - هیجانی است که اثر آن پرهیز از حرام و امور منافی کرامت نفسانی انسان است.

مؤلفه صمت هم در روایات به عنوان زمینه‌ساز تفکر عمیق بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۱۶).

۱. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عِيسَى النَّهْرَبَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ عَظَّمَهُ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ وَ بَطَنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ عَفَا نَفْسَهُ بِالْصِّيَامِ وَ الْقِيَامِ قَالُوا يَا أَبَانَا وَ أُمَّهَاتِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ هَؤُلَاءِ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ قَالَ إِنْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ سَكَنُوا فَكَانَ سُكُونُهُمْ ذِكْرًا وَ نَظَرُوا فَكَانَ نَظَرُهُمْ عِبْرَةً وَ نَظَّفُوا فَكَانَ نُظْفُهُمْ حِكْمَةً وَ مَشَوْا فَكَانَ مَشْيُهُمْ بَيْنَ النَّاسِ بَرَكَةً لَوْ لَا الْأَجَالُ الَّتِي قَدْ كُتِبَتْ عَلَيْهِمْ لَمْ تَقَرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ خَوْفًا مِنَ الْعَذَابِ وَ شَوْفًا إِلَى الثَّوَابِ.

همچنین تفکر، عاملی برای تقویت و تعمیق فهم و ادراک انسان است. پس همانطور که گزاره‌های شناختی باعث تمایل به سکوت و صمت می‌شوند، صمت نیز از طریق ایجاد شرایط برای تفکر عمیق، شناخت‌ها را تقویت و تثبیت می‌کند. یافته‌های این پژوهش در مورد الگوی فرایندی حکمت که افزون بر بیان مؤلفه‌های مفهومی به روابط میان آنها هم اشاره دارد، در شکل «۱» ارائه شده است.



شکل ۱: مدل فرایندی حکمت در منابع اسلامی

منابع

• قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲. اسلامی، سید حسن (۱۳۸۶)، «دامنه معنایی حکمت در قرآن، اخلاق و حدیث»، علوم حدیث، ۴۳، ۵۷-۲۹.
۳. ایزوتسو، توشی هیکو (۱۳۶۱)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. برنجکار، رضا (۱۳۷۴)، «مفهوم حکمت در قرآن و حدیث»، صحیفه مبین، ۳، ۵۳-۴۲.
۵. جندقیان، ژاله (۱۳۹۰)، جایگاه حکمت در نظام اخلاقی اسلام با تکیه بر آراء خواجه طوسی و امام محمد غزالی، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة، قم: آل البيت.
۸. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۸۲)، شرح جنود عقل و جهل، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. دهقان، علی، روحی، کاووس، پاکتچی، احمد، پروینی، خلیل (۱۳۹۷)، «پی جویی مؤلفه های مفهوم جهانی حکمت در مفهوم قرآنی آن»، کتاب قیم، شماره ۱۸.
۱۱. صفوی، کورش (۱۳۸۴)، فرهنگ توصیفی معنی شناسی، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۲. _____ (۱۳۹۲)، درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره مهر.
۱۳. طالبی، علی (۱۳۸۶)، مفهوم شناسی حکمت در کتاب و سنت با تأکید بر آرای فلاسفه مسلمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. عباسی، مهدی و پسندیده، عباس (۱۳۹۶)، «مفهوم شناسی در مفاهیم دینی با رویکرد روان شناختی: مراحل و شیوه اجرا»، پژوهش نامه روانشناسی اسلامی، ۶ (۳)، ۴۲-۷.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۷. گیرتس، دیرک (۱۳۹۳)، نظریه های معنی شناسی واژگانی، ترجمه: کوروش صفوی، تهران: نشر علمی.
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، *دانشنامه معارف اسلامی*، قم: دار الحديث.
۲۰. مختار عمر، احمد (۱۳۸۶)، *معناشناسی*، ترجمه: سید حسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۱. مصباح الشریعه منسوب به امام صادق (۱۴۰۰ق)، بیروت: اعلمی.
۲۲. هومن، حیدرعلی (۱۳۷۶)، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*. تهران: نشر پارسا.
23. Drisko, James & Tina Maschi (2015), *CONTENT ANALYSIS (Pocket Guide to Social Work Research Methods)*, Oxford: Oxford University Press.
24. Thagard, P., & Litt, A. (2023), *Models of scientific explanation*. In R. Sun (Ed.), *The Cambridge handbook of computational cognitive modeling*. Cambridge: Cambridge University Press.
25. Trier, Jost (1931). *Der deutsche Wortschatz im Sinnbezirk des Verstandes: Die Geschichte eines sprachlichen Feldes*. I. Von den Anfängen bis zum Beginn des 13. Jhdts. Heidelberg: Winter.
26. _____ (1934), *Das Sprähliche Feld. Ein Auseinandersetzung*. Neue. Jahrbücher Für Wissenschaft Und Jugendbildung, 10, 428449-.
27. (Available from Neuefeind, L. (2004) *Die Wortfeldtheorie*, Munchen: GRIN Verlag).